

بررسی فقهی قرارداد اختیار معامله^۱

دکتر رضا عباس‌پور *

دکتر مصطفی رجائی‌پور **

چکیده:

هدف از طراحی ابزارهای مالی جدید در بازارهای مالی، بهبود مدیریت ریسک و همچنین افزایش کارایی بازار سرمایه است. قراردادهای اختیار معامله یکی از این ابزارهاست. آنچه که سبب لزوم بررسی و تطبیق قراردادهای اختیار معامله با موازین شرعی شده است، کارکرد این قراردادها در بازار بورس و گسترش آن است. نگارنده پس از تعریف و تبیین این قراردادها و تشخیص ماهیت آن، ضمن ارائه دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان اسلامی، تلاش می‌کند تا به صحت و سقم این نوع از قراردادها و انطباق آنها با عقود و موازین شرعی بپردازد. در نهایت صحت اختیار معامله پذیرفته شده است.

کلید واژه‌ها: اختیار معامله، بیع العربون، بیع حق، بیمه، عقد صلح.

۱- تاریخ وصول: ۹۰/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۷

* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد Rajaeepoor0250@mshdiau.ac.ir

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر ابزارهای مالی متنوعی طراحی و در بازارهای مالی عرضه شده است. هدف از طراحی آنها بهبود مدیریت ریسک و همچنین افزایش کارایی بازار سرمایه است. کشور ما هم از این قاعده مستثنی نبوده و نظام مالی ایران نیز با سرعت روزافزونی مسیر تکامل و توسعه را سپری می‌کند و در این بستر تکاملی خویش شاهد نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی است که در پی نیاز افراد به آن شکوفا شده‌اند. از طرف دیگر، نظام مالی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول شریعت و دین مبین اسلام است و ضروری است که این رشد و توسعه در بستر دستورات و اصول دینی تحقق یابد. این مسأله مستلزم آن است که فقه اسلامی در کشور بتواند به این نیازمندی‌های جدید پاسخ دهد و در برابر این تحولات و پیشرفت‌ها نظر خود را اعلام کند. بدیهی است در صورت مغایر دانستن نوآوری‌های شکل گرفته در نظام مالی با دستورات و اصول دین مبین اسلام، این نوآوری‌ها برای استقرار در کشور ضمانت اجرایی خود را از دست خواهند داد. بستر تکاملی فقه شیعی به مدد اجتهاد در طی سال‌های متمادی در برابر این نیازمندی‌های جدید، شکل جدیدی به خود گرفته است و اجتهاد به عنوان ابزاری کارآمد در مسیر پاسخ‌گویی به نیازهای جدید افراد به مدد فقها شتافته است. در این راستا قراردادهای اختیار معامله، ابزارهایی هستند که با هدف پاسخ‌گویی به نیاز عصر جدید شکل گرفته‌اند. در این مقاله پس از تبیین قرارداد اختیار معامله و تشخیص ماهیت حقوقی آن، ضمن ارائه دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، تلاش می‌شود تا به صحت و سقم این نوع از قراردادها و انطباق آنها با عقود و موازین شرعی پرداخته شود.

۲- تعریف اصطلاحات

قرارداد اختیار معامله که در برخی از مکتوبات حقوقی به زبان عربی آن را «عقد الاختیار» می‌نامند از عقود شناخته شده در بازارهای دنیاست (الزحیلی، المعاملات المالیه المعاصره، ۵۰۳). حق اختیار معامله سند یا قراردادی است که دارنده یا خریدار می‌تواند در قبال پرداخت قیمت اختیار معامله به صادرکننده یا فروشنده این حق را به دست آورد که دارایی پایه قرارداد را با قیمت توافقی در تاریخ معین و یا قبل از آن از صادرکننده این قرارداد بخرد یا به او بفروشد بدون آنکه متعهد به این خرید یا فروش باشد (درخشان، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، ۱۹۲). بنابراین اختیار معامله قراردادی است بین دو گروه -

یک خریدار^۱ و یک فروشنده^۲ - به نحوی که خریدار از فروشنده اختیار معامله، «حق» خرید یا فروش یک دارایی را در یک قیمت معین، خریداری می‌کند. در اینجا نیز همانند تمام قراردادهای، هر طرف امتیازی را به طرف مقابل اعطا می‌کند. خریدار به فروشنده مبلغی تحت عنوان «حق شرط»^۳ پرداخت می‌کند که در واقع همان «قیمت اختیار معامله»^۴ می‌باشد. فروشنده نیز «حق» خرید یا فروش دارایی مذکور را در یک قیمت معین به خریدار اعطا می‌نماید. اختیاری که برای خرید یک دارایی داده می‌شود را «اختیار خرید»^۵ و اختیاری که برای فروش یک دارایی داده می‌شود را «اختیار فروش»^۶ گویند. قیمت تعیین شده‌ای که خریدار اختیار معامله می‌تواند دارایی را خریداری نموده یا بفروشد، «قیمت اعمال»^۷ یا «قیمت توافق»^۸ نامیده می‌شود. به علاوه، اختیار معامله مدت معینی دارد؛ حق خرید یا فروش دارایی در یک قیمت معین فقط تا «تاریخ انقضائی»^۹ که قبلاً مشخص شده است، ادامه خواهد داشت. برخی از حقوقدانان عرب نیز در تعریف این عقود گفته‌اند: عقد اختیار عقدی است که معوض در مقابل یک حق مجرد و صرف که خرید یا فروش اشیای معینی را در ازای مبلغ معین و یا در طول مدت معین یا در تاریخ معین به طرف دیگر واگذار می‌کند که این واگذاری به صورت مباشر و یا در ضمن یک هیأت (پایپای بورس) که ضامن حقوق طرفین می‌باشند، صورت می‌گیرد (الزحیلی، المعاملات المالیه المعاصره، ۵۰۳). به عنوان مثال فرض کنید شخصی تمایل به خرید منزل مسکونی به مبلغ صد میلیون تومان دارد و از طرفی باید زمان مناسبی را برای مشاوره داشته باشد تا ضرر نکند ولی احتمال دارد پس از مشورت، خانه به فروش رسیده باشد. با فروشنده توافق می‌کند که با پرداخت صد هزار تومان حق خرید خانه را تا یک ماه برای خود محفوظ بدارد. اگر در این مدت از این حق استفاده نکرد صاحب خانه می‌تواند خانه را به هر کسی و به هر قیمتی بفروشد و مبلغ صد هزار تومان را هم برای خود بردارد. دارنده حق خرید پس از مشورت چنانچه تشخیص دهد قیمت خانه مناسب نیست و می‌تواند خانه مشابه را به قیمت کمتر مثلاً هشتاد میلیون تومان بخرد از اعمال حق اختیار خرید صرف‌نظر می‌کند ولی صد هزار تومان ضرر کرده اما از ضرر بیست میلیون تومانی

1 - Option Buyer or Option Holder.

2 - Seller or Writer or Issuer.

3 - Premium.

4 - Option Price.

5 - Call Option.

6 - Put Option.

7 - Exercise Price.

8 - Strike Price.

9 - Expiration Date.

جلوگیری کرده است و اگر بفهمد قیمت خانه مشابه صد و بیست میلیون تومان است با پرداخت صد هزار تومان و داشتن حق خرید معامله توانسته است خانه صد و بیست میلیون تومانی را به صد میلیون تومان به اضافه مبلغ حق خرید خریداری کند و سود ببرد. حق فروش کالا هم مشابه حق خرید برای فروشنده است و او با خرید حق فروش می‌تواند در فرصت مناسب نسبت به فروش کالا به قیمت توافقی تصمیم‌گیری کند و سودآورترین حالت را برگزیند. در این بازار دارایی پایه معامله نمی‌شود بلکه فقط حق اختیار معامله، خرید و فروش می‌شود.

۳- تاریخچه اختیار معامله

ارسطو در کتاب سیاست، داستانی را از طالس حکیم یونانی نقل کرده که مفاد آن چیزی جز اختیار معامله نیست. او دریافت که محصول زیتون در سال آینده فراوان است لذا با پرداخت مبلغی به واحدهای تولید روغن زیتون حق اجاره آن را به نرخ معین برای خود خریداری نمود. با افزایش محصول زیتون، قیمت اجاره دستگاه‌های روغن‌کشی افزایش یافت و طالس توانست به همان نرخ تعیین شده اجاره کند و با نرخ بالاتر به متقاضیان اجاره دهد و سود ببرد (البرواوی، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی، ۲۲۰).

در ابتدای قرن هفدهم، معامله اختیار معامله برای خرید و فروش پیاز لاله‌های هندی در بازار معاملات آمستردام رواج پیدا کرد. در دهه‌های نخستین قرن نوزدهم معامله اختیاری برای سهام در بورس اوراق بهادار لندن وسعت یافت. در دهه ۱۸۶۰ معامله اختیاری برای سهام در بورس‌های آمریکا کاملاً رواج داشت. در ابتدای قرن بیستم سازمان اتحادیه کارگزاران و دلالان خرید و فروش اختیار معاملات در آمریکا تأسیس شد. البته معاملات این بازارها در خارج از بورس انجام می‌شد و امکان مبادله آن در بازار ثانویه وجود نداشت. یعنی خریدار حق خرید یا فروش، نمی‌توانست قبل از موعد به دیگری منتقل کند. تضمین تعهد هم وجود نداشت. با تحولات اقتصادی دهه هفتاد قرن بیستم مانند سیاست آزادسازی نرخ ارز و بازارهای مالی و احتمال تغییرات سریع نرخ ارز و بهره و ریسک بالای آن باعث شد قراردادهای آتی مالی مطرح شود و در سال ۱۹۷۳ بورس اختیار معاملات شیکاگو^۱ تأسیس شد و از آن به بعد بورس‌های مختلف معاملات اختیاری را آغاز کردند و در دهه‌های اخیر معامله اختیاری در خارج از بورس گسترش بسیاری پیدا کرده است (فطانت و آقاپور، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، ۲۰).

1-Chicago Board of options Exchange (CBOE).

در حال حاضر علاوه بر بورس اوراق بهادار شیکاگو، در چهار بورس مهم دیگر ایالات متحده و بورس - های معتبر دنیا اوراق اختیار معامله داد و ستد می‌شود. همچنین در کشورهایی نظیر شیلی، برزیل، مالزی، اندونزی، کره جنوبی، سنگاپور، تایلند و سایر کشورها، بازار اوراق اختیار معامله رونق چشمگیری دارد. به تازگی این نوع از معاملات نیز در بورس ایران دادوستد می‌شود.

۴- انواع قراردادهای اختیار معامله

قراردادهای اختیار معامله را می‌توان به اعتبار نوع حق مورد معامله، تاریخ انقضاء، نوع عرضه، نوع بازار و دارایی پایه‌ای که قرارداد اختیار معامله بر مبنای آن منعقد می‌شود به انواع گوناگونی تقسیم کرد.

۱. قرارداد اختیار معامله به اعتبار نوع حقی که به خریدار انتقال می‌یابد به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود که شایع‌ترین آن «اختیار خرید» و «اختیار فروش» است.

قرارداد اختیار خرید این حق را به خریدار اختیار می‌دهد که دارایی معینی را با قیمت مشخص در مدت زمان مقرر خریداری کند.

به همین ترتیب، قرارداد اختیار فروش این حق را به خریدار اختیار می‌دهد که دارایی معینی را با قیمت مشخص در مدت زمان مقرر به فروش رساند (بلیر^۱، ۲۰۰۷، ۲۷۰).

۲. قرارداد اختیار معامله به اعتبار سررسید، به دو نوع «اختیار معامله آمریکایی» و «اختیار معامله اروپایی» تقسیم می‌شود.

اختیار معامله آمریکایی^۲ به اختیاری گفته می‌شود که در هر زمانی در مدت قرارداد قابل اعمال است. در حالی که اختیار معامله اروپایی^۳ به اختیاری گفته می‌شود که فقط در پایان مدت قرارداد قابل اعمال است (ویر^۴، ۱۹۹۴، ۶۱/۴).

تقسیم‌بندی اختیارها به آمریکایی و اروپایی ربطی به موقعیت جغرافیایی ندارد و فقط نشان‌دهنده دو روش قراردادی جهت اجرای اختیار تلقی می‌شود.

۳. قرارداد اختیار معامله به اعتبار نوع عرضه به اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود.

1 - Blair, Michael

2 - American Option

3 - European Option

4 - Webber, Alan

۴. اوراق جدید تازه انتشار یافته در بازار اولیه^۱ مورد مبادله قرار می‌گیرند. بازار ثانویه^۲ نیز مکمل بازار اولیه و جزئی از بازارهای مالی شمرده می‌شود.

در این بازارها قیمت بر اساس ساز و کار عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و شرایط لازم برای تبدیل دارایی‌های مالی به نقدینگی فراهم می‌شود.

۵. قراردادهای اختیار معامله به اعتبار نوع بازاری که این قراردادها در آن معامله می‌شوند به دو نوع قابل معامله در «بازار بورس»^۳ و قابل معامله در بازارهای «خارج از بورس»^۴ تقسیم می‌شود. مطابق بند سوم ماده یکم قانون بازار اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۸۴، بورس اوراق بهادار بازاری متشکل و خود انتظام است که اوراق بهادار در آن به وسیله کارگزاران و یا معامله‌گران طبق مقررات این قانون مورد دادوستد قرار می‌گیرد. همچنین برابر بند هشتم ماده یک قانون پیش گفته، بازارهای خارج از بورس، بازاری است در قالب شبکه ارتباط الکترونیک یا غیرالکترونیک که معامله‌های اوراق بهادار در آن بر پایه مذاکره صورت می‌گیرد. این دو بازار تفاوت‌های اساسی با هم دارند.

یکی از مهمترین آنها این است که بازارهای فرابورس تسهیلات آسان‌تری را برای خریداران فراهم می‌کند؛ زیرا شرایط قرارداد را طرفین آزادانه و در گفتگوی مستقیم تعیین می‌کنند، در حالی که اختیارات ارائه شده در بورس استاندارد و متحدالشکل هستند. از سوی دیگر، مهمترین ایراد اختیارهای خارج از بورس فقدان ضمانت اجرای مؤثر برای تعهدهای فروشنده است (حسین‌زاده و شیروی، وضعیت فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله، ۱۰۷).

۶. قرارداد اختیار معامله را می‌توان بر اساس دارایی پایه‌ای که قرارداد بر مبنای آن واقع می‌شود به انواع گوناگونی تقسیم کرد. اوراق بهادار، ارز، شاخص سهام، طلا، فلزات، انرژی، فراورده‌های نفتی، محصولات کشاورزی و دامی از مواردی هستند که می‌توانند به صورت دارایی پایه، موضوع قراردادهای اختیار واقع شود. به طور کلی باتوجه به تعریفی که از اختیار معامله ارائه شد مشخص می‌شود که این معامله می‌تواند حسب ضرورت نسبت به هر کالایی انجام پذیرد. در هر حال، رایج‌ترین قراردادهای اختیار معامله

۱- بازار اولیه، بازاری است که نخستین عرضه و پذیره نویسی اوراق بهادار جدیداً انتشار در آن انجام می‌شود و منابع حاصل از عرضه اوراق بهادار در اختیار ناشر قرار می‌گیرد (بند نهم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران)

۲- بازار ثانویه، بازاری است که در آن اوراق مالی که پیش از آن در بازار اولیه منتشر شده مورد داد و ستد قرار می‌گیرد (بند دهم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران)

3-The counter Market.

4 - Over-The-Counter (OTC).

عبارت است از اختیار معامله سهام^۱، اختیار معامله قراردادهای آتی^۲، اختیار معامله شاخص سهام^۳ و اختیار معامله ارز^۴ (هال^۵، ۱۳۸۴، ۳۱۱).

۵- معامله‌گران اختیار معامله

در یک تقسیم بندی کلی و جامع معامله‌گران^۶ و استفاده‌کنندگان اختیار معامله را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۵-۱- پوشش دهندگان^۷

بزرگترین گروه استفاده‌کنندگان اختیار معامله سرمایه‌گذارانی می‌باشند که قصد پوشش سرمایه‌گذاری خود از ریسک ناشی از کاهش احتمالی قیمت در آینده را دارند. اکثر این گروه در بازار سهام خریداران اختیار فروش قرار بوده و با استفاده از این استراتژی خود را از خطر کاهش قیمت سهام در آینده و زیان‌های متعاقب آن مصون می‌نمایند (همان، ۳۲۲).

۵-۲- سفته‌بازان^۸

سفته‌بازان افرادی می‌باشند که با پذیرش ریسک، به بازار عمق بخشیده و خود به دنبال سود ناشی از پذیرش ریسک هستند. اختیار معامله با ویژگی‌هایی که دارد به شدت مورد توجه این گروه از معامله‌گران می‌باشد. سفته‌بازان با پیش‌بینی‌هایی که در قیمت آتی سهام می‌کنند، اقدام به خرید اختیار خرید سهامی می‌نمایند که انتظار می‌رود قیمت آنها در آینده افزایش یابد. در صورت تحقق پیش‌بینی، با فروش آنها به سود کلانی دست پیدا می‌کنند (همانجا).

-
- 1 - Stock Option.
 - 2 - Future Option.
 - 3 - Index Option.
 - 4 - Foreign Currency Option.
 - 5 - Hull, John C.
 - 6 - Option Traders.
 - 7 - Hedgers.
 - 8 - Speculators.

۵-۳- آربیتراژ کنندگان^۱

این گروه با تعقیب و مقایسه نرخ‌های موجود در بازارهای مختلف مترصد خرید از یک بازار و فروش همزمان آن در بازار دیگر با نرخ بالاتر و سود اندک است. با این عمل بلافاصله تفاوت‌های موجود در بازارهای مختلف از بین می‌رود و صحت و سلامت نرخ‌های اعلام‌شده در بازارهای مختلف برای سایر شرکت کنندگان در بازار به ارمغان می‌آورد (همانجا).

۶- اقوال مطروحه درباره صحت یا بطلان قرارداد اختیار معامله

در موضوع اختیار معامله نظرات مختلفی ارائه شده است که برخی از مهمترین آنها در دو گروه موافقین و مخالفین به این شرح است:

۶-۱- مخالفین وادله آنها

علی قره داغی عقد اختیار معامله را باطل می‌داند چراکه در آن تسلیم و تسلّم واقع نمی‌شود و در آن ارکان عقد محقق نیست و نمی‌توان آن را به خیار شرط برگرداند. در آن شرط شده است که جزئی از مال کم شود بدون آنکه به ضرر فعلی واقعی ارتباط یابد. همچنین به علت بطلان بیع العربون در نزد اکثر فقها به غیر از حنابله و آنکه در بیع العربون اگر معامله واقع شود عربون جزئی از ثمن است و در حق اختیار چنین نیست لذا نمی‌توان از آن استفاده کرد (البرواوی، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی، ۲۳۵). برخی معامله حق اختیار معامله را به دلیل اشمالش بر قمار باطل می‌دانند دلیل آن نیز این است که ضرر و سود در ارتباط مستقیم با تغییر قیمت‌ها در بازار است (همانجا). محمد مختار اسلامی نیز این معامله را باطل می‌داند چراکه آن را عقد جدیدی دانسته که قابل تصحیح شرعی هم نیست و نزدیک‌ترین معامله بر آن را قمار ذکر کرده است زیرا ضرر و سود آن با تغییر قیمت در بازار ارتباط دارد (مجمع الفقه الاسلامی، العدد السابع، ۲۴۰).

مجمع فقه اسلامی صریحاً نظر خود را درباره حرمت عقد اختیار معامله اعلام کرده و گفته است: «آنچه به عنوان عقد اختیار معامله در بازارهای مالی بین‌المللی جریان دارد عقد جدیدی است که مشمول هیچ یک از عقود شرعی معروف نیست و چون حق اختیار معامله مال یا منفعت نبوده و حق مالی قابل

1 - Arbitragists.

معاوضه هم نیست، بنابراین عقد شرعی صحیح نبوده و مبادله آن جایز نمی‌باشد» (همان، ۱۵۵). برخی تنها مانع محتمل در حق اختیار معامله را غرر و اشتغال آن بر ضرر فاحش دانسته و به بطلان آن حکم کرده- اند (البرواوی، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی، ۳۴). در همین زمینه محمد عبیدالله می‌نویسد: «مجاز بودن قراردادهای اختیار معامله توسط اکثر پژوهشگران به این دلیل رد می‌شود که این قراردادها غرری بوده و موقتاً برای کسب سود توسط سفته بازان انجام می‌شوند» (عبیدالله، Financial Engineering with Islamic Option، ۲۷).

احمد محی‌الدین حسن حق اختیار معامله را به دلیل بطلان سررسید بیش از سه روز تحت عنوان خیار شرط و به دلیل سود اضافی خریداران و ظلم بودن آن صحیح نمی‌داند (هاشم کمالی، Islamic Commercial Law، ۳۸). وهبه الزحیلی عقد الاختیار را بیع ندانسته و معتقد است که این عقد شرایط بیع را ندارد. وی می‌نویسد: «در بیع، مثنی باید امر مادی محسوس و معلوم باشد و حقوق متعلق به شیء مادی مثل حق تألیف و ابتکار نیز قابلیت بیع را دارد ولی حق شفعه و حق اختیار معامله حق محض است و قابلیت مثنی شدن را ندارد. مثنی بیع باید معلوم باشد ولی در اختیار معامله مثنی بر اساس عوامل غیر شرعی معین می‌شود مثل قیمت کالا و زمان انجام عقد و انتظارات تغییر قیمت کالا و قیمت پیش‌بینی شده و ارزش بهره. بنابراین عقد اختیار معامله شرایط بیع را ندارد و تحت دیگر عقود شرعی هم واقع نمی‌شود (الزحیلی، المعاملات المالی المعاصره، ۵۱۰).

۶-۲- موافقین و ادله آنها

احمد یوسف سلیمان معتقد است که شرطی که فروشنده و خریدار بر آن توافق می‌کنند شرط صحیح است و گرفتن ارزش حق اختیار معامله جایز است. بنابراین باید به آن شرط عمل کرد و عقد را محترم شمرد. طرف مقابل هم می‌تواند حق خیار خود را بفروشد (سلیمان، Ray al Tashri Islam Fi Masael Albosra، ۳۸۷/۵). برخی آن را شبیه بیمه و قولنامه قلمداد کرده و با توجه به صحت بیمه و قولنامه، حق اختیار معامله را هم صحیح دانسته‌اند (فطانت و آقاپور، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، ۱۷۵).

محمد مؤمن قمی معتقد است که در بیع، مثنی می‌تواند حق باشد و با بیع، آن حق منتقل به غیر می‌گردد و از این رو خرید و فروش حق اختیار معامله صحیح و نافذ است (المؤمن القمی، کلمات سدیدة، ۲۴۳).

همچنین در فرهنگنامه علمی و عملی بانک‌های اسلامی از صحت خیار شرط در نزد فقها استفاده کرده و اختیار معامله را صحیح شمرده است؛ زیرا حق خیار برای فروشنده است و می‌تواند حق خیار خود را بفروشد و مبلغ دریافتی هم در قبال آن صحیح است و دلیل صحت عقد و شرط، آن را تنفیذ می‌کند (عبدالحمید رضوان، اسواق الاوراق المالیه، ۳۶۰).

ابوسلیمان حق اختیار معامله را در صورتی که تحت عنوان بیع العربون قرار گیرد صحیح می‌داند؛ پس اگر از دارایی اساسی پشتوانه آن خارج شود و فروشنده حق اختیار معامله درآمدی کسب کند صحیح نیست (عصمت پاشا، فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه، ۱۳۸). هاشم کمالی نیز در یک تحلیل گسترده و جامع مجاز بودن قرارداد اختیار معامله مدرن و تجارت آنها را در پرتو قانون اسلامی بررسی کرده است. وی نتیجه می‌گیرد که داد و ستد اختیار معامله مانند گونه‌های دیگر تجارت مباح است (هاشم کمالی، Islamic Commercial Law، ۳۸).

بدین ترتیب مرور آثار و دیدگاه‌ها اگرچه به هیچ وجه جامع نیست اما به دو عامل برجسته اشاره می‌کند. ابتدا به نظر می‌رسد که اکثر پژوهشگران موافق این قراردادها، آنها را جزء عقود نامعین دانسته و اساساً آنها را ابزارهایی می‌دانند که با اصول شریعت همخوانی دارد. دوم اینکه در جایی که پژوهشگران به این ابزارها اعتراض می‌کنند اعتراضاتشان بر اساس دلایل بسیار متفاوت است. اکثر اعتراض‌ها بر اساس تفسیر شخصی ناشی از درک شریعت و درک این ابزارها می‌باشد. تلاش نگارنده این است تا در ضمن بیان ماهیت این قراردادها و ذکر دیدگاه‌های دیگر به اشکالاتی که مخالفین در سخنان خود مطرح نموده‌اند پرداخته و جوابگوی آنها باشد.

۷- بیع حق

در مورد اینکه آیا حق می‌تواند ثمن یا مثنی واقع شود نظرات گوناگونی مطرح است؛ برخی از فقها مثل شیخ انصاری مثنی در بیع را مختص به اعیان می‌داند و معتقد است ثمن بیع می‌تواند عین یا منفعت باشد ولی حق هرچند قابل نقل باشد را نمی‌توان ثمن بیع قرار داد (انصاری، مکاسب، ۳، ۷). در مقابل

صاحب جواهر(نجفی، جواهر الکلام، ۲۲، ۲۰۹)، امام خمینی(ره)(امام خمینی، کتاب البیع، ۱، ۳۲)، محقق ایروانی(ایروانی، حاشیه کتاب المکاسب، ۲، ۲۲) و بسیاری از مراجع کنونی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی(مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ۱، ۳۳)، مبیع قراردادن حق را پذیرفته‌اند؛ چراکه معتقدند بیع، مجعول شرعی نیست بلکه یک امر عرفی است و عرف نیز در آن شرط نمی‌کند که مثنی حتماً از اعیان باشد بلکه حق را قابل فروش می‌داند. به جهت اختصار فقط سخن امام خمینی(ره) در این زمینه می‌آید. ایشان می‌فرمایند: به نظر ما در ماهیت بیع تملیک و تملک شرط نیست زیرا همانطور که قبلاً بیان شد عنوان بیع بر بیع وقف عام صدق می‌کند حال آنکه ثمن در آن به ملک هیچ کس داخل نمی‌شود و نیز فروش غلات زکوی در برابر پول نقد زکوی همین حکم را دارد در صورتی که قائل شویم زکات ملک هیچ کس نیست و اصناف، موارد مصرف زکات می‌باشند. در این موارد تبادل بین دو مال در یک طرف یا در هر دو طرف در سلطنت می‌باشد و نه ملکیت و با وجود این عنوان بیع بر آن صادق است و این شاهی بر عدم شرطیت تملیک و دخول عوضین در ملک، نزد عقلا می‌باشد و ضعف قول به تفصیل بین عوض و معوض روشن می‌گردد. پس انصاف این است که نقل حقوق در برابر عوض بلکه نقل حقوق در برابر حقوق و نقل املاک در برابر حقوق و برعکس همگی عرفاً بیع است. بنابراین فروش حق تحجیر در نزد عقلا بیع محسوب می‌شود»(امام خمینی، کتاب البیع، ۱، ۳۲). از همین جا استفاده می‌شود که یکی از خصوصیات دیگر حق، قابلیت نقل و انتقال آن است. ایشان می‌فرمایند: در حقوق حتماً یکی از این سه اثر یعنی قابلیت اسقاط، نقل و انتقال وجود دارد و بدون این آثار عقد صدق نمی‌کند(همان، ۱، ۲۷). نتیجه اینکه حق، قابل نقل و انتقال است.

۸- ماهیت حق اختیار معامله

شناخت فقهی این قراردادها تا حد فراوانی به شناخت ماهیت موضوع قرارداد تبیین شده منوط است. در بازار اولیه فروشنده اختیار معامله تعهد می‌کند که معامله‌ای را در آینده انجام دهد لذا موضوع آن «تعهد» به انجام معامله‌ای در آینده در برابر عوضی معلوم است. همچنین موضوع قرارداد اختیار معامله در بازار ثانویه انتقال حق معینی در برابر عوضی معلوم است. از همین تفاوت موضوع در دو بازار اولیه و ثانویه می‌توان دریافت که تعریف پیش گفته برخی از حقوقدانان عرب همچون زحیلی از این قراردادها، تعریف به نتیجه و اثر عقد است که موضوع قرارداد اختیار را در هر دو بازار یکسان می‌داند.

در این نوع از قراردادها در هنگام انعقاد قرارداد، هیچگونه معامله‌ای انجام نمی‌گیرد. اگر کسی که حق اختیار خرید یا فروش دارد به اعمال حق خود مبادرت ورزد بیع صورت خواهد گرفت؛ اما وی می‌تواند از اعمال این حق خود صرف نظر نماید و فقط به میزان وجهی که بابت خرید حق اختیار پرداخته است، متضرر شود. در این جهت تفاوتی بین حق اختیار خرید و حق اختیار فروش، اختیار معامله اروپائی و اختیار معامله آمریکایی، اختیارات قابل معامله در بورس‌های رسمی و اختیارات قابل معامله در فرابورس و اختیار معامله روی سهام نیست؛ زیرا در تمامی موارد فقط «حق» خرید و فروش شده است. مبنای مختار این است که ماهیت اختیارات، خرید و فروش حق است. این امر هم از ملاحظه نامگذاری این قراردادها آشکار است و هم دقت در آنچه در بازارهای بورس انجام می‌شود آن را تأیید می‌کند (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۲۹۴). اما در این زمینه نظریات دیگری نیز وجود دارد که لازم است به مهمترین آنها اشاره کنیم.

۹- وکالت

برخی قرارداد اختیار معامله را عقد وکالت دانسته‌اند؛ به این معنا که در این عقد، شخصی که تعهد به خرید و فروش می‌کند، یعنی فروشنده حق به طرف مقابل وکالت می‌دهد تا کالای مورد نظر خود را به قیمت توافقی و در زمان معین از او بخرد یا به او بفروشد. بنا بر این نظر دارنده اختیار، که در واقع همان وکیل است مال را به موکلش می‌فروشد یا آن را از وی برای خودش می‌خرد. در صورتی که این امر بر اساس وکالت صورت گیرد اشکالی در آن نخواهد بود.

ملاحظه‌ای که می‌توان داشت این است که اختیار معامله از بحث وکالت خارج است؛ چراکه در وکالت موکل همچنان حق انجام دادن عملی که به وکالت داده است و در قبال آن به وکیل دستمزد می‌پردازد را داراست، بدون آنکه حق وی در مورد انجام دادن عملی که به وکالت داده است از وی سلب گردد.^۱ به علاوه وی همچنان دارای حق تصرف می‌باشد و تازمانی که وکیل به انجام دادن کار مزبور اقدام نکرده است، می‌تواند مباشرةً آن کار را انجام دهد. برای مثال، اگر موکل کسی را برای فروش خانه‌اش وکیل نماید خود نیز می‌تواند قبل از اقدام وکیل برای فروش اقدام نماید. البته اگر وکیل قبلاً آن را فروخته باشد بیع موکل باطل خواهد بود؛ زیرا با فروش خانه از سوی وکیل، خانه از ملک موکل خارج شده است،

۱- ماده ۶۸۳ قانون مدنی: «هرگاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یا به طور کلی عملی که منافی با وکالت وکیل باشد به جا آورده، مثل این که مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود خود بفروشد وکالت منفسخ می‌شود.»

درحالیکه در عقد اختیار، حق هرگونه تصرف حقوقی نسبت به دارایی‌های پایه قرارداد تا زمان سررسید از فروشنده حق، سلب می‌شود (مؤمن قمی، عقد اختیار، ۵۶). ملاحظه دیگر آن است که اساساً وکالت عقدی است که از هر دو طرف جایز است (خمینی، تحریر الوسیله، ۲، ۴۲). درحالیکه در قراردادهای اختیار معامله فروشنده اختیار حق ندارد خریدار را از حق خود محروم سازد.

۱۰- قولنامه

برخی در صدد برآمده‌اند که اختیار معامله را به قولنامه تشبیه کنند. در مورد ماهیت قولنامه، نظرات مختلفی ارائه شده است. به عنوان مثال برخی از حقوقدانان قولنامه را اینگونه تعریف می‌کنند: «نوشته‌ای است غالباً حاکی از توافق بر واقع ساختن عقد در مورد معینی که ضمانت اجرای تخلف از آن پرداخت مبلغی است» (لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، شماره ۴۳۷۷). برخی دیگر آثار این قرارداد را انجام دادن عقد دیگری می‌دانند که منظور اصلی طرفین می‌باشد و این قرارداد را مقدمه‌ای برای رسیدن به قرارداد اصلی تلقی می‌نمایند. به همین جهت آن را تأسیس پیمان مقدماتی یا پیش قرارداد و یا وعده قرارداد محسوب می‌کنند (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱، ۱۶). در تعریف دیگری که نزدیک به قرارداد اختیار معامله می‌باشد قولنامه نوشته‌ای است غالباً عادی که حاکی از توافق بر واقع ساختن عقدی است که ضمانت اجرای تخلف از آن نیز پرداخت مبلغی به عنوان وجه التزام می‌باشد (عصمت پاشا، فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه، ۴). این گروه، اختیار معامله را برگه‌ای غالباً رسمی می‌دانند حاکی از توافق بر واقع ساختن عقدی در موردی معین که ضمانت اجرای تخلف از آن پرداخت مبلغی به عنوان حق شرط است. از این رو قولنامه، با اختیار معامله تشابه کامل دارد (فطانت و آقاپور، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، ۱۷۷).

ملاحظه‌ای که می‌توان داشت این است که وجه التزام که در قولنامه‌ها به عنوان جریمه یا جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا پشیمانی از اجرای تعهد مشخص می‌گردد، نسبت به هریک از متعاقدين لازم الاجراست و هریک از طرفین، اعم از خریدار و فروشنده ملزم به پرداخت آن می‌باشند، در حالیکه در اختیار معامله آنچه دارنده حق ملزم به پرداخت آن است عوض اختیاری است که به دست آورده است نه جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد اصلی و عدم انجام عقد نهایی.

به علاوه اینکه قولنامه در واقع قراردادی است که به موجب آن هر یک از طرفین ملزم به انجام دادن تعهد خود و ملتزم به انجام عقد اصلی است درحالی که در قرارداد اختیار، دارنده حق برخلاف واگذارنده حق، ملتزم به عقد نهایی نیست و در انعقاد یا عدم انعقاد عقد نهایی مختار است (رفیعی و عبدالصمدی، بررسی حقوقی اوراق اختیار معامله، ۱۱۱).

به علاوه اینکه قولنامه‌هایی که در بین مردم ما متعارف است، بیع می‌باشد؛ البته بیعی که در آن حق خیار شرط شده است و وجهی برای تخلف از بیع و استفاده از حق خیار در نظر گرفته شده است، درحالی که در حق اختیار معامله یک طرف با پرداخت مبلغی معین حق خرید یا فروش یک دارایی را در آینده معین به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه اینکه ماهیت این دو مختلف است (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۳۰۱).

۱۱- بیمه

برخی بر این باورند که حق اختیار معامله نوعی بیمه می‌باشد. چراکه در بیمه، بیمه‌گذار با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه، ریسک ضرر احتمالی را که در آینده نامعلوم به دارایی‌اش خواهد رسید به بیمه‌گر منتقل می‌کند. خریدار حق اختیار معامله نیز ضرر احتمالی ناشی از تغییر قیمت را که در آینده به او متوجه خواهد شد به فروشنده منتقل می‌سازد (فطانت و آقاپور، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، ۱۵۲). همچنین در قرارداد بیمه در صورت مصون ماندن بیمه‌گذار از خسارت در پایان دوره بیمه‌گر هیچ تعهدی ندارد و حق بیمه به عنوان حق‌الزحمه شرکت بیمه تلقی می‌شود که در قراردادهای اختیار معامله نیز در صورت عدم تغییرات ناگهانی و نامطلوب قیمت‌ها در پایان دوره مقرر، فروشنده اختیار معامله هیچ تعهدی ندارد و حق شرط را دریافت می‌دارد (رضائی، بررسی فقهی اوراق اختیار معامله، ۱۳۲). وجود بیمه‌گر و بیمه‌گذار و حق بیمه در قرارداد بیمه و وجود فروشنده اختیار معامله و حق شرط خریدار اختیار معامله از وجوه تشابه قرارداد بیمه و قرارداد اختیار معامله است. به علاوه اینکه در قرارداد بیمه، ریسک در قبال پرداخت حق شرط از خریدار اختیار به فروشنده منتقل می‌شود.

گرچه بین حق اختیار معامله و بیمه شباهت‌های زیادی وجود دارد اما این موجب نمی‌شود که ماهیت این دو را یکی بدانیم. تفاوت‌هایی که میان آن دو وجود دارد باعث تمایز از یکدیگر می‌شود. ملاحظه‌ای که در این میان وجود دارد این است که عرف این دو قرارداد را متمایز از یکدیگر می‌داند. زیرا در بیمه دو طرف ملزم به اموری هستند؛ برای مثال بیمه‌گر، پس از حادثه، برحسب مقدار حق بیمه، خسارت وارد شده را

جبران می‌کند اما در اختیار معامله زیان دیده یا شخص در معرض زیان، به خرید یا فروش اقدام می‌کند. حق بیمه مستمر پرداخت می‌شود ولی اوراق اختیار معامله، خریداری می‌شود و شخص حق معامله را می‌خرد. در بیمه مقدار زیان، قابلیت تغییر دارد و به همان مقدار زیان جبران می‌شود، ولی در اختیار معامله فقط امکان خرید یا فروش برای خریدار اوراق وجود دارد (رضائی، بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه، ۴۶). همچنین در بیمه، بیمه‌گذار قصد جلوگیری از ضرر را دارد نه قصد کسب منفعت درحالی که در اختیار معامله قصد کسب منفعت وجود دارد (بت شکن، شناخت قراردادهای تحویل آتی و اختیار معامله، ۲۳۵).

در بیمه، بیمه‌گر به جبران خسارت متعهد است، اما در اختیار معامله، فروشنده موظف به جبران خسارت نیست. بلکه وظیفه وی در صورت درخواست خریدار انجام بیع است. نتیجه در هر دو مورد یکی است ولی در ماهیت با هم تفاوت دارند (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۲۹۹). همچنین در اختیار معامله حق شرط بهای حق اختیار معامله است، در حالی که در بیمه هیچ کس حق بیمه را بهای بیمه نمی‌داند، چه اینکه حق شرط در اختیار معامله یک بار پرداخت می‌شود، اما در بیمه به صورت مستمر هر ماه مبلغی به عنوان حق بیمه پرداخت می‌شود (همان، ۳۰۰). نتیجه اینکه ماهیت بیمه با اختیار معامله یکی نیست.

۱۲- بیع العربون

عربون به معامله‌ای گفته می‌شود که مشتری کالا را می‌خرد و مبلغی به آن می‌پردازد با این شرط که اگر کالا را تحویل گرفت، آن مبلغ به عنوان قسمتی از بهای کالا محسوب شود اما اگر از تحویل آن خودداری نمود مبلغ پرداخت شده برای مشتری باشد.

از میان فقهای شیعی فقط ابن جنید این معامله را صحیح می‌داند و آن را در جمله شرایط صحت بیع به شمار می‌آورد و سایر فقها به عدم جواز آن فتوا داده‌اند. از میان علمای اهل سنت نیز فقط احمد بن حنبل بر طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص) آن را جایز دانسته و روایت نهی ایشان از بیع العربون را ضعیف می‌شمارد (ابن قدامه، المعنی، ۲، ۵۸).

با دقت در تعریف بیع عربون، روشن می‌شود که ماهیت اختیار معامله با آن کاملاً متفاوت است؛ زیرا بهایی که هنگام خرید حق اختیار معامله پرداخت می‌شود، هرگز به عنوان جزئی از بهای دارایی مورد نظر محسوب نمی‌شود. بنابراین بررسی صحت و سقم بیع عربون مشکلی را حل نمی‌کند (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۳۰۲).

۱۳- قمار

علی معبد الجراحی این نوع قراردادها را قمار بر قیمت‌های آینده دانسته است (البرواوی، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی، ۲۳۰) با این استدلال که سود و زیان در این قرارداد با تغییر قیمت در بازار ارتباط دارد. در واقع بر حسب تغییرات قیمت در بازار، منافع غیر صحیحی نصیب فرد می‌شود. ابن قیم قمار را شامل معامله به قصد سود بر روی کالایی که هنوز در اختیار نیست می‌داند (رضائی، بررسی فقهی اوراق اختیار معامله از منظر فقه امامیه، ۱۳۶). معصومی‌نیا معتقد است ظاهراً علی معبد الجراحی با توجه به تعریف ابن قیم، حق اختیار معامله را مصداق قمار دانسته است. در این صورت نیز نمی‌توان حق اختیار معامله را مصداق قمار دانست. زیرا خریدار حق اختیار معامله هنگام قرارداد، هیچ‌گونه معامله‌ای بر روی دارایی پایه انجام نمی‌دهد. در سررسید ممکن است از اعمال حق خود خودداری کند و ممکن است به اعمال حق بپردازد. در صورت اول روشن است که معامله‌ای صورت نمی‌گیرد و در صورت دوم به خرید یا فروش دارایی اقدام می‌کند که آن را تحویل می‌گیرد و یا تحویل می‌دهد و این مصداق قمار به معنای مزبور نیز نخواهد بود. علاوه بر آن می‌توان گفت که قمار، گرفتن چیزی بدون دادن ما به ازای آن است درحالی که در اینجا مال گرفته می‌شود و در برابر آن حق اختیار داده می‌شود. قمار باز خود را در معرض تلف مال خود قرار می‌دهد در حالیکه خریدار حق اختیار معامله برای خود اطمینان کسب می‌کند. از همین رو همه عقلا قمارباز را مذمت می‌کنند، اما اقدام خریدار حق اختیار معامله را عقلایی دانسته، آن را تحسین می‌نمایند (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۳۰۴).

با توجه به وضعیت بازارهای بورس انگیزه اصلی از ابداع اختیار معامله جلوگیری از ضرر در معاملات بوده و شخص با انجام آن قبل از معامله می‌داند با چه وضعیتی مواجه خواهد بود. پس با وجود ضوابط دقیق و مشخصات این قراردادها و وجود مقررات دقیق در بازارهای بورس غرر منتفی است. در این قراردادها تسلیم و تسلّم هم وجود دارد زیرا فروش یا خرید حق که امری اعتباری است تسلیم و تسلّم متناسب با آن را می‌طلبد. همچنین عدالت اقتضا می‌کند که هنگام معامله آنچه خریده می‌شود به قیمت آن زمان خریده شود چه آنکه هر عقدی ممکن است باعث ضرر یک طرف باشد و ممکن است پس از هر خرید، قیمت کالاها تغییر کند و یک طرف و یا هر دو متضرر شوند.

جدید بودن معامله هم مجوز عدم صحت نیست. هرچند که معتقد باشیم این عقد معامله‌ای جدید است، با توجه به صحت عرفی اختیار معامله و شمول عمومات و اطلاقات شرعی نسبت به آن و عدم

شمول مناهی شرعیه، این عقد صحیح است (رضائی، بررسی فقهی اوراق اختیار معامله از منظر فقه امامیه، ۱۳۸).

۱۴- پیشنهادات

همان طور که قبل از این آمد برخی کوشیده‌اند تا از راه شباهت اختیار معامله با بیمه آن را تصحیح کنند که به نظر نگارنده صرف تشابه از برخی وجوه، موجب تشابه در حکم نمی‌شود. برای تصحیح قرارداد اختیار معامله می‌توان چهار راه را پیشنهاد داد:

۱. اختیار معامله به عنوان مصداقی از بیع حق: طبق نظر مشهور، خرید و فروش حق مانند خرید و فروش اعیان تحت ادله مشروعیت بیع قرار می‌گیرد.

۲. اندراج اختیار معامله به صورت شرط ضمن عقد در یک معامله صحیح: در این صورت قرارداد اختیار فروش قراردادی خواهد بود که به عنوان شرط ضمن عقد لازم که به موجب آن یک طرف قرارداد (خریدار) حق فروش مقدار معینی از کالای مورد نظر را در زمان معین و با قیمت مشخص با طرف دیگر مصالحه می‌کند بدون آنکه طرف دیگر (فروشنده) ملزم به فروش آن باشد.

۳. استفاده از عقد صلح: به نظر می‌رسد بهترین راه برای تصحیح قراردادهای اختیار معامله راه قرارداد صلح است. با استفاده از این راه هیچ مشکلی در بازارهای اولیه و ثانویه نخواهیم داشت. قرارداد صلح یک قرارداد مستقل است و تابع قراردادهای دیگر نیست و فقط برای حل اختلاف و نزاع نبوده بلکه در همه امور قابل اجراست. مصالحه بر سر حق اختیار به جای خرید و فروش آن می‌تواند بهترین جایگزین قرارداد اختیار معامله باشد. بدین ترتیب قسمت عمده‌ای از مشکلاتی که در بازار فعلی سرمایه ایران وجود دارد، حل خواهد شد. قابل توجه است که در صورت انجام معاملات از راه صلح در بازار اولیه، مصالحه اوراق مصالحه در بازار ثانویه نیز در تمامی صور جایز خواهد بود.

۴. استفاده از شرط: معصومی‌نیا پس از ارائه راه‌حل‌های مختلف، این راه را پیشنهاد داده و انتخاب می‌کند. وی می‌نویسد: بنا بر مختار ما که شرط ابتدائی را الزام آور دانستیم، منتشر کننده حق اختیار معامله در ازای مبلغ معینی خود را ملزم می‌کند که در صورت درخواست شخص مقابل، دارایی مشخصی را با قیمت معین به وی بفروشد. در این صورت تعبیر این قرارداد به «حق اختیار معامله» تعبیری تسامحی خواهد بود، زیرا ماهیت آن خرید و فروش حق نیست، بلکه ماهیت آن صرف التزام است. نتیجه این التزام

ایجاد حق برای طرف مقابل خواهد بود که در صورت صلاحدید می‌تواند آن را اعمال کند. در این صورت عوض در مقابل حق اختیار نیست، بلکه در برابر التزام یکی از دو طرف در برابر دیگری است» (معصومی‌نیا، ابزارهای مشتقه، ۳۲۱).

۱۵- نتیجه‌گیری

هدف از طراحی ابزارهای مالی جدید، بهبود مدیریت ریسک و افزایش کارایی بازار سرمایه است. یکی از این ابزارها که مسأله‌ای نوظهور در نظام مالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد قراردادهای اختیار معامله است. قرارداد اختیار معامله، قراردادی است که در ضمن آن خریدار در قبال پرداخت قیمت اختیار معامله به فروشنده این حق را بدست می‌آورد تا دارایی پایه را با قیمت توافقی در تاریخ معین و یا قبل آن از وی بخرد بدون آنکه متعهد به این خرید باشد.

اکثر فقهای اهل تسنن به دلایل مختلفی این قراردادها را باطل اعلام کرده‌اند. به نظر می‌رسد اکثر اشکالات آنها، براساس تفسیر شخصی ناشی از درک شریعت و درک این ابزارهاست. از آنجایی که شناخت فقهی این قراردادها منوط به شناخت ماهیت آنهاست مبنای مختار این است که ماهیت اختیارات، خرید و فروش حق بوده و طبق مبانی امامیه، بیع حق صحیح است. نظرات دیگری در ماهیت این قراردادها نیز وجود دارد. برخی این قراردادها را به خاطر شباهت آنها به وکالت، قولنامه، بیمه و بیع العربون صحیح دانسته‌اند لیکن علاوه بر وجود تفاوت‌هایی میان آن دو می‌توان گفت شباهت‌های موجود موجب نمی‌شود که ماهیت این دو را یکی بدانیم.

بهترین راه برای تصحیح قراردادهای اختیار معامله استفاده از عقد صلح است. مصالحه بر سر حق اختیار به جای حق خرید و فروش آن می‌تواند بهترین جایگزین قرارداد اختیار معامله باشد که از این طریق مشکلات فراوانی که در بورس اوراق بهادار وجود دارد حل خواهد شد.

فهرست منابع

۱. ابن قدامه، موفق الدین ابومحمد، بی‌تا، المعنی، دار الکتب العربیه، بیروت.
۲. انصاری، مرتضی، ۱۴۲۰، مکاسب، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
۳. ایروانی، میرزا علی، ۱۴۲۱، حاشیه کتاب مکاسب، تحقیق باقر فخار اصفهانی، دار ذی القربی، چاپ اول.

۴. الزحیلی، وهبه، ۱۴۲۳، المعاملات المالیه المعاصره، دارالفکر، دمشق.
۵. البرواوی، شعبان محمد اسلام، ۱۴۲۳، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی، دارالفکر، دمشق.
۶. بت شکن، محمد هاشم، ۱۳۷۹، شناخت قراردادهای تحویل آتی و اختیار معامله، پایان نامه دکتری، تهران.
۷. درخشان، مسعود، ۱۳۸۳، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، موسسه مطالعات بین المللی انرژی، تهران، چاپ اول.
۸. رضائی، مجید، ۱۳۸۴، بررسی فقهی اوراق اختیار معامله از منظر فقه امامیه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۲۵.
۹. رضایی، مجید، ۱۳۸۲، بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱.
۱۰. رفیعی، محمد تقی و عبدالصمدی، ۱۳۸۵، راضیه، بررسی حقوقی اوراق اختیار معامله در بازار بورس اوراق بهادار، اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره دهم.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۷، ترمینولوژی حقوقی، گنج دانش، تهران.
۱۲. حسین زاده، جواد و شیروی، عبدالحسین، ۱۳۸۶، وضعیت فقهی و حقوقی قراردادهای اختیار معامله، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷.
۱۳. خمینی، امام روح الله، ۱۳۷۹، کتاب البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۴. عبد الحمید رضوان، سمیر، ۱۴۱۷، اسواق الاوراق المالیه، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، القاہرہ، الطبعة الاولى.
۱۵. عصمت پاشا، ۱۳۸۲، فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه، ترجمه علی صالح آبادی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۹.
۱۶. فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم، ۱۴۱۸، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران، چاپ اول.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، قواعد عمومی قراردادها، به نشر، تهران.
۱۸. مجمع الفقه الاسلامی، بی تا، العدد السابع، جزء الاول.
۱۹. معصومی نیا، غلامعلی، ۱۳۸۷، ابزارهای مشتقه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، چاپ اول.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۳، انوارالفقاهه، مدرسه الامام امیرالمؤمنین(ع)، الطبعة الاولى.
۲۱. مؤمن قمی، محمد، ۱۳۸۳، عقد اختیار، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۳۳.
۲۲. المؤمن القمی، محمد، ۱۴۱۷، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، موسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الاولى.
۲۳. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، قم.

-
24. Ahmad Yūsuf Sulayman, "Ra'y al Tashri [al Islam fi Masa'il al Bursa," iya (Cairo: al Ittihad al Duwali li al Bunūk al Islamiya, 1402/1982) 5:387
25. Blair, Michael, Financial Markets Exchanges, London, Oxford University Press.
26. Hall, John C, 2005, Fundamental of Futures and Option Markets, Prentice Halled.
27. Mohammed Obaidullah [b], Financial Engineering with Islamic Options, Islamic Economic Studies, Islamic Re search & Training Institute, Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia, Vol.6 No.
28. Mohammadd. Hashim Kamali (1995) Islamic Commercial Law: An Analysis of Options, Paper Presented at the Conference On SPTF / Islamic Banking Products, Kuala Lumpur, December 1995, pp 37-38.
29. Webber, Alan, 1994, Dictionary of Futures & Options, Vision Book, Probus Publishing Co.